

بیانیه هسته اقلیت به مناسبت هشت مارس جنبش زنان و استراتژی ها آزادی زنان و مبارزه طبقاتی

هسته اقلیت

یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۸۷

فرارسیدن ۸ مارس روز جهانی همبستگی با مبارزه زنان رابه همه انسانهای آزادمش و برابری خواه تبریک میگوئیم. سی سال پیش زنان با حضوری قدرتمند و با شور و شوقی عظیم در کوچه و خیابان، در کارخانه و اداره در مدرسه و دانشگاه و در اعتصابات عمومی چندین ماهه و برای یک زندگی بهتر در انقلاب ضد سلطنتی که به سرنگونی حکومت شاه منجر شد، شرکت کردند. فرآیند مشارکت زنان در انقلاب چنان برجسته بود که نقطه عطفی در جنبش زنان محسوب میشود. در فقدان یک بدیل سوسیالیستی و آزادی خواه که سامانه های سلطه طبقاتی و جنسیتی را درهم بکوبد، جمهوری اسلامی که عقب افتاده ترین گروه های سیاسی-اجتماعی را نمایندگی میکرد، هدایت دولت سرمایه را بدست گرفت و با ادغام دین و دولت، رژیم سرکوب گر و ماهیتا ضد زن قدرت را بدست گرفت. زنان مبارز ایران از نخستین کنش گرانی بودند که بر علیه این نابهنگام تاریخی بپاخواستند. باین همه شوک ناشی از کارکردهای یک رژیم زن ستیز، همانند تازیانه ای بر پیکر جنبش زنان فرود آمد که با سرکوب، کشتار، زندان و تبعید، همراه بود.

پس از سالها سرکوب و کشتار و تبعید، اکنون یک دهه است که جنبش زنان در ایران با خودویژگی های معینی دوباره سر بلند کرده است. خودویژگی هایی که علاوه بر مقاومت زنان در برابر رژیم، ناش از تحولات و پی آمدهای مادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که قطب بندی های طبقاتی در میان زنان را فزاینده تر کرده و به گروه هایی که به زیر مجموعه طبقات فرودست رانده می شوند، افزوده است. زنان سرپرست خانواده، زنان تحصیل کرده که مداوما به زیر مجموعه زنان کارگر رانده می شوند، تن فروشی در ابعاد حیرت آور و تغییر الگوهای آن در میان زنان شهری، خانگی شدن کارمزدی و ... تنها نمونه هایی هستند از قطبی شدن فزاینده جایگاه طبقاتی در میان گروه های مختلف زنان. این عوامل برساختار جنسیتی و الگوهای گذشته آن، تاثیر گذاشته و برخواسته ها و مطالبات و زمینه های مادی رابطه بین جنبش طبقه کارگر و جنبش زنان، بیش از گذشته افزوده است.

از نظر آرایش سیاسی و ویژگی این دوره جنبش زنان در سطح عام، برآمد استراتژی ها و صف آرای متفاوت و گاه متضاد - اما سیال و شکننده - که همراه با نوسانات کنترل سیاسی و ساختار حکومتی از یکسو و نیازهای اجتماعی جنبش زنان از سوی دیگر، دچار جابجایی و تحول می شود. اگر چه برآمد جنبش زنان در این دوره بخاطر کارکردهای حکومت با قوانین و مناسبات مادون ارتجاعی اش به ویژگی های عام و خواسته های شکننده آن دامن زده و هنوز هم می زند. اما جنبش زنان همانند هر جنبش اجتماعی دیگر نمی تواند از طبقات اجتماعی وصف آرای سیاسی ناشی از آن جدا باشد. صف آرای هایی که استراتژی ها و خواسته های معینی را دنبال میکنند.

طی چند سال اخیر پس از جابجایی ها و چرخش های متفاوت و گاه متضاد، ما شاهد هژمونی استراتژی گروه بندی ها و گرایشات لیبرال - مذهبی در فضای سیاسی جنبش زنان هستیم. اگر چه این گروه بندی ها سیال و شکننده هستند

اما چه به لحاظ ساختار درونی و چه از منظر سیاسی، استراتژی لیبرال - مذهبی را بازتاب می دهند. گروه هایی همچون "کمپین یک میلیون امضا" و "کمپین ضد سنگسار و میدان زنان"، نمونه های بارز این پدیده هستند. تقلیل گرایی و محدود کردن خواسته های جنبش زنان به ظرفیت های جناح های رژیم و خط قرمزهای آن تحت عنوان "خواسته های حداقلی"، استناد به فتوای آخوند های مرتجع برای مشروعیت بخشیدن به خواسته های زنان، لابی گری با یکی از بد نام ترین رژیم های ضد زن، محدودیت مطالبات زنان به سیاست "ممکن گرایی"، بسیج زنان از "پائین و چهره به چهره" و نگاه به "بالا" و در محدوده اصلاحات اسلامی، نخبه گرایی... اجزا بهم پیوسته استراتژی لیبرال - اسلامی گروه بندی هایی است که با همه دعای و دعوای ایشان تفاوت های چندانی با هم ندارند.

فقدان یک بدیل نیرومند سوسیالیستی و ضد سلطه در جنبش زنان در ایران (که توضیح دلایل آن در اینجا میسر نیست) باعث شده که بخشی از زنان و دختران نسل جوان در احاطه استراتژی این گرایشات قرار بگیرند. چرخش هایی که در سیاست برخی گرایشات چپ و سکولار در خارج به سمت تقویت استراتژی لیبرالی صورت گرفته و فضا سازی رسانه های بورژوازی نیز از جمله عواملی هستند که به تقویت این استراتژی در جنبش زنان کمک کرده است. اگر سیالیت و شکنندگی در سازمانیابی و استراتژی ها ویژگی این دوره از جنبش زنان است و اگر زمینه های مادی رشد زنان کارگر و فرودست در میان گروه های مختلف زنان افزایش یافته است، این پرسش مطرح است که برآمد استراتژی ضد سرمایه داری در جنبش زنان که بتواند مبارزه علیه دخالت مذهب در زندگی زنان و مبارزه علیه سلطه جنسیتی را با ساز و کار مبارزه طبقاتی ادغام کند از چه طریق امکان پذیر است؟

تشکل یابی، علیه سلطه جنسیتی و علیه سرمایه داری

رهایی زنان نیازمند اتکا به نیروی دگرگون ساز، ضد سلطه و خود سازمانده آن هاست. میلیونها زن کارگر و زحمتکش، صدها هزار زن که در زندگی روزمره شان رژیم اسلامی و سلطه مردسالاری را به چالش می گیرند، مردانی که بر علیه سلطه جنسیتی و طبقاتی تلاش می کنند و... نیروی های واقعی تحقق مطالبات زنان هستند و اتحاد با جنبش طبقاتی کارگران و جنبش های آزادیخواه، بر اساس خواسته هایی که این جنبش ها را به هم مرتبط می کند از اجزای بهم پیوسته این استراتژی پیشرو است که زمینه های مادی نیرومندی در جامعه دارد. مبارزه علیه قوانین و اخلاقیات مذهبی و ارتجاعی (نظیر حجاب، قصاص، قوانین شرعی، قتل های ناموسی و...) طرح خواسته های مربوط به برابری حقوقی و سیاسی زنان و مردان، مبارزه علیه فرهنگ، نرمها، اخلاقیات و خشونت های جسمی و روانی که ساختار سلطه جنسیتی را تقویت می کنند و همراه با آن مبارزه ضد سرمایه داری علیه کارخانگی، خانگی شدن کارمزدی، تن فروشی و طرح مطالبات مربوط به کار، رفاه و آزادی، که ضامن رهایی زنان از ستم و سلطه است، جلوه هایی از خواسته های جنبش زنان برای تشکل یابی است. همین مطالبات بستر همکاری جنبش های اجتماعی و همگرایی گرایشات سوسیالیست هم است. پس تشکل یابی حول خواسته ها و برای تحقق استراتژی ضد سرمایه داری و مبارزه جنسیتی و مفصل بندی آزادی زنان و مبارزه طبقاتی یکی از مهمترین نیازهای این دوره از جنبش زنان است.

زنده باد آزادی زنان زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری شورایی

هسته اقلیت - مارس ۲۰۰۹